

Instances of Good Marital Conduct from the Perspective of Imami Jurists and Iranian Positive Law

1. Azam Taleb: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Se.C., Islamic Azad University, Semnan, Iran
2. Mojtabi Ghaffari*: Department of Law, MaSh.C., Islamic Azad University, Semnan, Iran. Email: ghaffari@iau.ir
(Corresponding Author)

ABSTRACT

Good marital conduct is regarded as one of the most fundamental concepts in the legal and jurisprudential framework of the family and plays a decisive role in either strengthening or destabilizing marital relations. This concept is not limited merely to refraining from violence or abuse; rather, it also encompasses behavioral, verbal, emotional, and economic dimensions. Imami jurisprudence, particularly in the views of contemporary jurists, considers good marital conduct to be both an ethical and a religious obligation and emphasizes dignified treatment, mutual respect, tolerance, fidelity, and observance of the spouse's human rights. In contrast, Iranian positive law, while recognizing the principle of good marital conduct under Article 1103 of the Civil Code, places greater emphasis on its legally binding and judicial dimensions; however, it remains ambiguous regarding the identification of its practical instances and the provision of clear enforcement mechanisms. Adopting a descriptive-analytical approach and drawing on jurisprudential and legal sources as well as contemporary scholarly perspectives, this article elucidates the concept of good marital conduct and its manifestations and demonstrates that integrating jurisprudential and legal perspectives can enhance the effectiveness of the family legal system and strengthen marital relationships. Finally, after critically examining existing legislative and enforcement deficiencies, the article proposes measures for clarifying the manifestations of good marital conduct, strengthening premarital education, and undertaking legislative reform.

Keywords: *good marital conduct, spouses, Imami jurisprudence, contemporary jurists, positive law, Civil Code, family.*

How to cite: Taleb, A. & Ghaffari, M. (2027). Instances of Good Marital Conduct from the Perspective of Imami Jurists and Iranian Positive Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 9(3), 1-16.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 07 April 2026

Revise Date: 29 August 2026

Accept Date: 06 September 2026

Initial Publish Date: 06 September 2026

Final Publish Date: 23 August 2027



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

مصادیق حسن معاشرت زوجین از نگاه فقهای امامیه و حقوق موضوعه ایران

۱. اعظم طالب: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
۲. مجتبی غفاری*: گروه حقوق، واحد مهدی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. پست الکترونیک: ghaffari@iau.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

حسن معاشرت زوجین از بنیادی‌ترین مفاهیم در نظام حقوقی و فقهی خانواده به شمار می‌رود و نقش تعیین‌کننده‌ای در استحکام یا تزلزل روابط زناشویی دارد. این مفهوم، تنها به پرهیز از خشونت یا آزار محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد رفتاری، گفتاری، عاطفی و اقتصادی را نیز دربرمی‌گیرد. فقه امامیه، به‌ویژه در آرای فقهای معاصر، حسن معاشرت را تکلیفی اخلاقی و شرعی دانسته و بر رفتار کریمانه، احترام متقابل، مدارا، وفاداری و رعایت حقوق انسانی همسر تأکید می‌کند. در مقابل، حقوق موضوعه ایران، با پذیرش اصل حسن معاشرت در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، بیشتر به جنبه الزام‌آور و قضایی آن توجه کرده، اما در تعیین مصادیق عملی و ضمانت اجرای روشن برای آن با ابهام مواجه است. این نوشتار با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع فقهی، حقوقی و دیدگاه‌های معاصر، به تبیین مفهوم حسن معاشرت و مصادیق آن پرداخته و نشان می‌دهد که تلفیق نگاه فقهی و حقوقی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کارآمدی نظام خانواده و تحکیم روابط زوجین باشد. در پایان، ضمن نقد کاستی‌های تقنینی و اجرایی، پیشنهادهایی برای شفاف‌سازی مصادیق، تقویت آموزش پیش از ازدواج و بازنگری تقنینی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حسن معاشرت، زوجین، فقه امامیه، فقهای معاصر، حقوق موضوعه، قانون مدنی، خانواده.

نحوه استناددهی: طالب، اعظم، و غفاری، مجتبی. (۱۴۰۶). مصادیق حسن معاشرت زوجین از نگاه فقهای امامیه و حقوق موضوعه ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۹(۳)، ۱-۱۶.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۸ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۷ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۵ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱۵ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۶



خانواده در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام، مهم‌ترین نهاد اجتماعی برای رشد شخصیت انسان، تأمین آرامش روانی و استمرار نسل محسوب می‌شود (Ghasemzadeh, 2023). از این رو، کیفیت روابط میان زن و شوهر نقشی اساسی در پایداری یا فروپاشی این نهاد دارد. یکی از مفاهیم کلیدی در تنظیم این روابط، «حسن معاشرت» است؛ مفهومی که هم در منابع شرعی و هم در قوانین موضوعه مورد توجه قرار گرفته، اما در عمل، برداشت‌ها و مصادیق آن همواره محل بحث بوده است.

حسن معاشرت زوجین به عنوان یکی از اصول اخلاقی و حقوقی مهم، نقش حیاتی در تحکیم خانواده و پیشگیری از اختلافات زناشویی دارد. در قوانین ایران، ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی و قوانین حمایت خانواده بر رفتار متقابل شایسته میان زوجین تأکید کرده‌اند، اما تبیین مصادیق عملی و الزامات آن محدود و غیرنظام‌مند است.

تحولات اجتماعی و فرهنگی دهه‌های اخیر در ایران موجب شده است که روابط خانوادگی و حقوق و وظایف زوجین بیش‌ازپیش پیچیده و نیازمند شفافیت قانونی شود. اصل حسن معاشرت، که ریشه در منابع فقه امامیه دارد و در قانون مدنی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است، یکی از مهم‌ترین ابزارهای اخلاقی و حقوقی برای ایجاد تعامل سازنده و عادلانه میان زوجین است (Rahimi, 2023).

با وجود اهمیت این اصل، پژوهش‌ها و منابع موجود، به‌ویژه در زمینه کاربرد عملی آن، محدود و پراکنده‌اند. اغلب مطالعات پیشین یا نگاه توصیفی داشته‌اند و یا صرفاً بخشی از مفاهیم را در زمینه‌هایی مانند تمکین، نفقه و طلاق مورد بررسی قرار داده‌اند، بدون آنکه چارچوبی نظام‌مند برای شناسایی مصادیق حسن معاشرت ارائه کنند (Rafsanjani Moghadam & Mohammadian, 2015).

از سوی دیگر، تغییرات اجتماعی، افزایش سطح تحصیلات، تحولات فرهنگی و تغییر ساختار خانواده موجب شده است که تفاسیر سنتی حسن معاشرت نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی باشد. بنابراین، تحلیل دیدگاه‌های فقهای معاصر و تطبیق آن‌ها با حقوق موضوعه ایران، می‌تواند علاوه بر رفع خلأهای قانونی، به ایجاد چارچوبی علمی و عملی برای تفسیر قضایی و مشاوره حقوقی کمک کند (Mozaffari & Hosseini, 2021).

در فقه امامیه، حسن معاشرت صرفاً به معنای خودداری از آزار نیست، بلکه مجموعه‌ای از رفتارهای نیکو، گفتارهای محترمانه، تعاملات عاطفی سالم و رعایت حقوق متقابل را شامل می‌شود (Mousavi Tabrizi, 2022). فقهای معاصر نیز با توجه به تحولات اجتماعی و نیازهای نوپدید خانواده کوشیده‌اند این مفهوم را از حالت کلی و انتزاعی به ساحت عملی و قابل‌فهم در زندگی روزمره نزدیک کنند (Moezzi, 2017). از سوی دیگر، حقوق موضوعه ایران اگرچه اصل حسن معاشرت را در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی پذیرفته، اما در تعیین حدود و ثغور آن، چندان شفاف و تفصیلی عمل نکرده است. همین امر، سبب بروز ابهام در رویه قضایی و دشواری در اثبات مصادیق سوء معاشرت شده است.

بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که حسن معاشرت زوجین از نگاه فقهای معاصر و حقوق موضوعه چه مفهومی دارد و مصادیق آن چیست؟ و نیز چه خلأها و نارسایی‌هایی در نظام تقنینی و اجرایی ایران در این زمینه مشاهده می‌شود؟ هدف این پژوهش نیز تبیین مفهوم‌شناسانه و تحلیلی حسن معاشرت، شناسایی مصادیق فقهی و حقوقی آن، بررسی نقاط اشتراک و افتراق رویکرد فقه معاصر و حقوق موضوعه، و در نهایت ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای کارآمدی قواعد مربوط به روابط زوجین است.

از آنجا که در دنیای معاصر، تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها، ضرورت بازتعریف مفهوم حسن معاشرت و تحلیل تطبیقی آن با دیدگاه‌های فقهای معاصر را دوچندان کرده است. این مقاله با بهره‌گیری از منابع فقهی، حقوقی و پژوهش‌های علمی، به بررسی جامع مفهوم، مصادیق و عوامل مؤثر بر حسن معاشرت زوجین می‌پردازد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش مطالعه‌ای کتابخانه‌ای اعم از کتب فقهی و حقوقی، مقالات علمی معتبر، قوانین مصوب با سیری بر اسناد موجود در زمینه حسن معاشرت زوجین، با تکیه بر منابع فقهی و حقوقی و دیگر منابع اصیل اسلامی می‌باشد که با مراجعه به منابع اولیه، از جمله کتب معتبر فقهی و مواد قانون مدنی و استفاده از آیات قرآن کریم، مفهوم حسن معاشرت و مصادیق آن از منظر فقها و حقوق موضوعه به دست می‌آید. علاوه بر پژوهش‌های انجام‌شده، مقالات و کتب دیگری نیز پیرامون موضوع حسن معاشرت زوجین به رشته تحریر درآمده که اغلب به دنبال اثبات وجود خلأهای فقهی و قانونی در این زمینه بوده‌اند و اگرچه در بررسی این موضوع، نقاط اشتراکی نیز با نوشتار حاضر دارند، لکن وجه تمایز برجسته پژوهش حاضر با تحقیقات انجام‌شده، نگاه همه‌جانبه به مسائل فقهی و حقوقی حسن معاشرت زوجین و توسعه مفهوم‌شناسی آن است.

مبانی نظری

در اثر نکاح دائم رابطه زوجیت بین زن و شوهر ایجاد می‌گردد و تکالیف و حقوقی برای هر یک نسبت به دیگری به وجود می‌آید. ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی بیان می‌کند: «همین که نکاح به‌طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.»

از این جهت تکالیفی زوجین نسبت به یکدیگر دارند، به دو دسته‌اند: «تکالیف مشترک و تکالیف مختص»:

دسته اول: تکالیف مشترک زوجین نسبت به یکدیگر:

قانون مدنی ایران بر حقوق و وظایف متقابل زوجین تأکید دارد. برخی از این وظایف شامل موارد زیر است:

(الف) حسن معاشرت زوجین نسبت به یکدیگر (ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی)

(ب) معاشرت زوجین در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد (ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی)

(ج) حضانت اطفال (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی)

(د) تحمیل نام خانوادگی زوج به زوجه

دسته دوم: حقوق و تکالیف مختص هر یک از زوجین:

۱- تکالیف شوهر نسبت به زن:

قانون مدنی ایران به‌صراحت وظایف مرد در قبال همسرش را در بخش‌هایی چون ریاست خانواده، نفقه و حمایت مالی و پرداخت مهریه مشخص کرده است.

(الف) ریاست خانواده: اگرچه به موجب تعلیمات اسلامی هر یک از زن و مرد حقوقی نسبت به یکدیگر دارند و هیچ‌کدام مجاز به تجاوز به حق دیگری یا خودداری از انجام وظایف و تکالیف خود و یا تعدی از حقوق و حدود اختیارات خویش نیستند، اما در عین حال برای خانواده

که خود یک جامعه کوچکی است، قانون‌گذار رئیس و سرپرست معین نموده که این سمت و عنوان را به مرد اعطاء نموده است. (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی)

ب) انفاق، دادن نفقه زوجه و اطفال (مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۹۶ قانون مدنی): از نظر اسلام تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج زن به عهده مرد است و زن از این نظر هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد. البته تأمین هزینه‌های شخصی زن توسط شوهر اختصاص به موردی ندارد که زن از تأمین آن عاجز باشد، بلکه حتی اگر وی دارای ثروت کلانی هم باشد، الزامی ندارد که از اموال شخصی خود مخارج و مایحتاج خویش را تأمین نماید. وجوب نفقه جزو مسلمات فقه و حقوق است و بر آیات و روایات واسطه مبتنی می‌باشد. حتی در دوران عقد و قبل از شروع زندگی مشترک، مرد وظیفه دارد نفقه زن را پرداخت کند، به شرط آنکه زن به تعهدات قانونی خود عمل کند (ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی).

ج) پرداخت مهریه: مهریه حقی است که طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، به محض وقوع عقد به زن تعلق می‌گیرد و مرد موظف به پرداخت آن است. زن می‌تواند در هر زمانی مهریه خود را مطالبه کند.

۲- تکالیف زن نسبت به شوهر:

قانون مدنی ایران علاوه بر حقوق زن، تکالیف او را نیز نسبت به شوهر مشخص کرده است.

الف) اقامتگاه زن: زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید. (ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی)

ب) تمکین عام و خاص: ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی تصریح می‌کند که زن موظف به تمکین از شوهر خود است، مگر آنکه عذر قانونی داشته باشد.

تمکین عام: به معنای حضور زن در خانه مشترک و انجام وظایف خانوادگی است.

تمکین خاص: شامل روابط زناشویی مشروع و قانونی است.

ج) پرهیز از اشتغال به امور مغایر با مصالح خانوادگی: طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، شوهر می‌تواند زن را از اشتغال به کاری که مغایر با مصالح خانوادگی یا حیثیت اوست، منع کند.

حسن معاشرت به عنوان تکلیف مشترک زوجین

الف) حسن معاشرت در لغت:

دهخدا (Dehkhoda, 1998) معاشرت را آمیختن و با هم آمیزش کردن، با هم زیست کردن و با کسی زندگانی نمودن، اختلاط و گفت‌وشنود، الفت و مصاحبت، همدمی و رفاقت، خوردن و آشامیدن با هم معنا کرده است. در فرهنگ معین (Moin, 2007) نیز معاشرت به معنای رفاقت، دوستی، هم‌صحبتی آمده است؛ لذا حسن معاشرت به معنای «نیکو زیستن با دیگری» است و در اصطلاح فقهی، رفتار شایسته، محترمانه و همراه با مدارا، رعایت حقوق متقابل و پرهیز از آزار و اذیت طرف مقابل را شامل می‌شود (Ansari, 2006). از نظر عملی، حسن معاشرت به مجموعه رفتارها و الزامات اخلاقی و حقوقی زوجین اشاره دارد که شامل احترام متقابل، تمکین، مشورت، حسن خلق و رفتار عادلانه است (Hosseininejad, 2019). این مفهوم، در سطحی فراتر از روابط صرفاً حقوقی، ناظر به کیفیت تعامل انسانی، اخلاقی و عاطفی میان زن و شوهر است.

در آموزه‌های اسلامی، زندگی خانوادگی صرفاً یک قرارداد حقوقی تلقی نمی‌شود، بلکه پیوندی مبتنی بر مودت، رحمت، همکاری و مسئولیت متقابل است. از این رو، حسن معاشرت در فقه امامیه، علاوه بر جنبه شرعی، واجد بار اخلاقی و انسانی نیز هست (Khomeini, 1987). این

مفهوم در عرف اجتماعی نیز به رفتار محترمانه، ملاحظت‌آمیز و همدلانه تعبیر می‌شود و در حقوق موضوعه برابر ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، به‌عنوان یک تکلیف متقابل میان زوجین به رسمیت شناخته شده است.

ب) جایگاه حسن معاشرت در فقه امامیه: فقه امامیه، حسن معاشرت را از لوازم اساسی زندگی زناشویی می‌داند. در این نگاه، زوجین مکلف‌اند نه تنها از رفتارهای آزاردهنده و تحقیرآمیز پرهیز کنند، بلکه در تعاملات روزانه، احترام، مهربانی، مدارا و رعایت کرامت انسانی یکدیگر را نیز مدنظر قرار دهند.

فقهای امامیه حسن معاشرت را ناظر به رفتار نیکو، پرهیز از اذیت و آزار، رعایت احترام متقابل و ادای وظایف اخلاقی و شرعی زوجین می‌دانند. منابع معتبر مانند تحریرالوسیله امام خمینی، مکاسب شیخ انصاری و جواهرالکلام نجفی بر لزوم رعایت حقوق مادی و معنوی همسر تأکید دارند. مصادیق عملی در فقه شامل همکاری در امور منزل، تمکین، مشورت، رعایت ادب و احترام، پرهیز از خشونت و نیکی به همسر است. این الزام، برخاسته از اصول کلی شریعت، قواعد اخلاقی اسلام و روایات متعدد در باب حسن خلق، حسن صحبت و رعایت حقوق همسر است (Hosseininejad, 2019).

قرطبی (al-Qurtubi, 1989) در کتاب الجامع الاحکام القرآن چنین عنوان نموده: «حسن معاشرت با زنان به این است که حقوق زن از مرد و نفقه را به کامل پرداخته و در برابر زن بدون و در برابر زن بدون سبب و تقصیر گناه، رو ترش نکند و در سخن گفتن گشاده‌روی باشد نه سخت‌دل و بدزبان و به کس دیگر اظهار تمایل نکند. خداوند متعال حسن معاشرت با زن عقد کرده را سفارش کرده تا ادامه زندگی و مصابحت و همزیستی ایشان کامل باشد، چه آنکه حسن معاشرت روان را آرام‌تر و زندگی را گوارتر می‌سازد.»

در تفسیر المنار آمده: «در مفهوم معاشرت، مشارکت و برابری نهفته است؛ یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار کنند و زنان نیز باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند» (Rashid Rida, 1990).

ج) جایگاه حسن معاشرت در فقه معاصر: فقهای معاصر نیز با نگاهی متناسب با شرایط زمان، حسن معاشرت را مفهومی چندلایه دانسته‌اند که تنها در سطح ظاهر رفتار خلاصه نمی‌شود، بلکه در عواطف، گفتار، مسئولیت‌های اقتصادی و مشارکت در زندگی مشترک نیز جلوه دارد (Moezzi, 2017; Mousavi Tabrizi, 2022).

آراء و استنباط‌های فقهای برجسته از اواخر مشروطه تا امروز با توجه به مقتضیات زمان، به بازخوانی و تبیین احکام شرعی در حوزه‌های اجتماعی و خانوادگی پرداخته‌اند. فقهای معاصر مانند امام خمینی، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی با رویکردی تحلیلی، بر اهمیت حسن معاشرت و مصادیق آن تأکید کرده‌اند و آن را پایه‌ای برای استقرار عدالت و آرامش در خانواده دانسته‌اند (Khomeini, 1987; Moezzi, 2017).

فقهای معاصر مانند آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله جوادی آملی، با توجه به تحولات اجتماعی، برداشت‌های نوینی ارائه کرده‌اند. این دیدگاه‌ها، علاوه بر الزامات شرعی، بر رعایت حقوق انسانی، تعامل عادلانه و همکاری زوجین در زندگی روزمره تأکید دارند و گاه با برداشت‌های سنتی متفاوت هستند.

د) حسن معاشرت در عرف: از جمله باورهای اجتماعی در حوزه خانواده این است که در روابط زوجین باید آداب و رسوم، عرفیات و اخلاق حاکم باشد و با منطق شرعی و قانونی نمی‌توان و نباید به مسائل روابط زوجین وارد شد. بر این اساس نیز برخی چندان موافق با الزامات شرعی و قانونی در حوزه روابط زوجین نیستند و معتقد هستند قرآن کریم نیز با احاله امر به عرف این اندیشه را تأیید نموده است.

در عرف، حسن معاشرت به معنای رعایت هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و رفتار نیکوکارانه میان زوجین است. این بعد مکمل دیدگاه‌های فقهی و حقوقی است و نشان می‌دهد که تحقق رفتار شایسته در زندگی مشترک، علاوه بر الزام شرعی و قانونی، نیازمند پذیرش عرفی و فرهنگی است.

ملاک تشخیص آنکه چه امری سوء معاشرت است و تشخیص درجه‌ای که زن یا مرد نمی‌تواند زندگانی زناشویی را ادامه دهد، به نظر عرف است که در هر مورد با در نظر گرفتن وضعیت روحی، اخلاقی و اجتماعی زوجین و همچنین وضعیت محیط از حیث زمان و مکان آن را تعیین می‌نماید (Safdarzadeh et al., 2022).

در جوامع امروزی با وجود این حجم وسیع از انواع ابزارهای ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی، ذائقه و نیازهای افراد نسبت به گذشته تغییرات زیادی داشته و متناسب با این تغییرات، برای مفهوم حسن معاشرت نیز بایستی مطابق با ویژگی‌های زمانه مصداق‌سازی شود. ه) جایگاه حسن معاشرت در حقوق موضوعه ایران: در حقوق ایران، ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». این ماده، به روشنی اصل الزام‌آور حسن معاشرت را شناسایی کرده است. با این حال، قانون‌گذار در ادامه توضیحی درباره حدود و مصادیق این تکلیف ارائه نکرده است. حقوق موضوعه ایران، به‌ویژه مواد ۱۱۰۲ تا ۱۱۲۹ قانون مدنی و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، حسن معاشرت را به رسمیت شناخته اما در تعیین مصادیق عملی و نحوه الزام‌آوری آن، دارای ابهام و خلأهای اجرایی است. از این رو، تشخیص اینکه چه رفتاری حسن معاشرت یا سوء معاشرت محسوب می‌شود، غالباً به عرف، تفسیر قضایی و اوضاع و احوال پرونده واگذار می‌گردد (Shahbazi, 2021). این موضوع در دعاوی خانوادگی و قضاوت‌های قضایی، به‌ویژه در طلاق، تمکین و نفقه، مشکلات عملی ایجاد کرده است (Ghasemzadeh, 2023; Shahbazi, 2021).

حقوق ایران، با تأثیرپذیری از فقه امامیه، اصل حسن معاشرت را به رسمیت شناخته است؛ با این حال، قوانین مانند ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، مصادیق عملی و نحوه الزام‌آوری آن را مشخص نکرده‌اند. این خلأ، موجب اختلاف برداشت‌ها و عدم وحدت رویه در دادگاه‌ها و ایجاد چالش‌های قضایی شده است.

تحلیل فقهی و حقوقی حسن معاشرت زوجین

۱- حسن معاشرت در عرف و حقوق موضوعه ایران

حسن سلوک، مفهوم عرفی دارد و بر حسب زمان و مکان، آداب و رسوم اقوام، طوایف و خانواده‌ها فرق می‌کند. عادات و رسوم اجتماعی و درجه تمدن، فرهنگ و نیز اخلاق مذهبی و رفتاری در میان هر قوم مفهوم خاصی از حسن معاشرت به وجود می‌آورد (Jafari Langroudi, 2025).

در عرف اجتماعی، حسن معاشرت به رفتاری اطلاق می‌شود که حاکی از احترام، ادب، خوش‌رفتاری، ملاطفت و رعایت حرمت طرف مقابل باشد. این برداشت عرفی، هرچند الزام حقوقی مستقل ندارد، اما در فهم عملی ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی نقش مهمی ایفا می‌کند.

در حقوق موضوعه ایران، اصل حسن معاشرت در کنار سایر مقررات ناظر بر خانواده، از جمله مواد مربوط به نفقه، تمکین، نشوز، طلاق و حقوق متقابل زوجین، قابل مشاهده است. با این حال قانون‌گذار به‌جای تبیین جامع رفتارهای مطلوب، بیشتر به بیان برخی وظایف خاص بسنده کرده است (Ghasemzadeh, 2023). نتیجه آنکه حقوق موضوعه، در مقایسه با فقه معاصر، بیشتر ناظر به الزام‌های قابل اثبات در دادگاه است تا همه ابعاد اخلاقی و انسانی رابطه زوجین.

مصادیق حسن معاشرت زوجین

مصادیق فقهی معاشرت زوجین

بر اساس منابع فقه امامیه و آراء فقهای معاصر، مصادیق حسن معاشرت شامل موارد زیر است:

(الف) مصادیق رفتاری: همکاری در امور زندگی، ایفای نقش زناشویی، پرهیز از خشونت جسمی و اذیت همسر (همکاری در امور مشترک، حمایت متقابل، انجام وظایف منزل و زندگی) از مصادیق مهم رفتاری حسن معاشرت است. به عبارتی دیگر این حوزه شامل همکاری در زندگی مشترک، همراهی در انجام امور خانوادگی، پرهیز از خشونت، آزار و تحقیر، و ایفای مسئولیت‌های متقابل در زندگی زناشویی است. رفتار شایسته در این معنا، فقط به ترک بدرفتاری محدود نمی‌شود، بلکه شامل مشارکت فعال در بهبود کیفیت زندگی خانوادگی نیز هست.

(ب) مصادیق گفتاری: احترام و تکریم متقابل، پرهیز از ناسزا و تحقیر (احترام، پرهیز از خشونت کلامی، استفاده از زبان محبت‌آمیز و مشورت) از مصادیق مهم گفتاری حسن معاشرت است. گفتار نیکو، احترام‌آمیز بودن زبان، پرهیز از ناسزا، توهین، تحقیر و تهدید، و نیز استفاده از بیان محبت‌آمیز و مشورت‌جویانه، از مهم‌ترین نمودهای حسن معاشرت به شمار می‌رود. در فقه، زبان نرم و کریمانه، یکی از شاخصه‌های اساسی روابط خانوادگی سالم است (Hosseininejad, 2019).

(ج) مصادیق عاطفی: محبت، وفاداری، درک و همدلی در مواجهه با مشکلات (محبت، وفاداری، رعایت حقوق معنوی و مادی، تعامل سازنده و انصاف در تصمیم‌گیری‌ها) از مصادیق برجسته حسن معاشرت عاطفی هستند. بُعد حمایت عاطفی و توجه به نیازهای روانی همسر، جایگاه ویژه‌ای در فقه معاصر یافته، زیرا بدون آن زندگی مشترک به یک رابطه خشک و صرفاً حقوقی تقلیل می‌یابد (Alavi & Shafiei, 2020).

(د) مصادیق اقتصادی: رعایت حقوق مالی و استقلال اقتصادی همسر، مشارکت در مسئولیت‌ها (Alavi & Shafiei, 2020)، پرهیز از تضییع حقوق اقتصادی او، تأمین نیازهای متعارف زندگی، و توجه به عدالت در امور مالی خانواده، از دیگر نمودهای حسن معاشرت است. در این بخش، نفقه و رعایت انصاف اقتصادی، بخشی از نظم مطلوب زندگی خانوادگی را شکل می‌دهد (Rafsanjani Moghadam & Mohammadian, 2015). تحقق این مصادیق، نقش مهمی در پیشگیری از تعارضات خانوادگی و تسهیل حل اختلافات زناشویی دارد.

مصادیق و دستورات خداوند در خصوص حسن معاشرت در قرآن کریم

خداوند متعال در قرآن کریم در امور مربوط به زوجین از واژه معروف استفاده نموده است که نشان‌دهنده این است که در انجام و اجرای حقوق و تکالیفی که بر عهده زوجین است، باید معروف رعایت شود که بیشتر موارد خطاب متوجه زوج است؛ زیرا دارای اختیارات بیشتری است (Sharifi et al., 2022).

اولین قدم برای افزایش استحکام خانواده، وجود حسن خلق و معاشرت نیکو در روابط بین زوجین است. آنچه در قرآن و روایت مصادیق معاشرت به معروف بیان شده از باب تمثیل است و هر عملی که عقل آن را تأیید کند و یا عرف جامعه آن را بپذیرد، جزء مصادیق رفتار نیکوست (Rafsanjani Moghadam & Mohammadian, 2015).

از جمله قواعد کمتر بررسی‌شده در حوزه حقوق خانواده قاعده لزوم معاشرت به معروف است و مهم‌ترین مستند فقهی و آیه‌ای که در مورد حسن معاشرت زوجین می‌توان به آن استناد کرد، آیه ۱۹ سوره نساء است: «... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»... و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید. و اگر [به علتی] از آنان نفرت داشتید [باز هم با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید] چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می‌دهد. فعل «عاشروهن» امری

است و فعل امری جز در مواردی که قرینه‌ای بر استحباب باشد، ظاهر در وجوب است. در نتیجه، مستفاد از آیه فوق، معاشرت به معروف (حسن معاشرت) یک تکلیف شرعی برای مردان است (Sharifi et al., 2022).

بسیاری از فقها حسن معاشرت زوجین را در رعایت حقوق قانونی آن‌ها نسبت به یکدیگر می‌دانند و یا حداقل از موارد حسن معاشرت در زندگی زناشویی، اجرای مناسب حقوق و وظیفه واجب ایشان می‌دانند، بنابراین مطابق این قاعده هر یک از زن و شوهر باید در چارچوب رعایت عرف مقبول در جامعه اسلامی با یکدیگر رفتار کنند (Nemati et al., 2023).

این دیدگاه با عنوان حجیت ذاتی بنای عقلا، مورد پذیرش برخی از دانشمندان اصولی است. مطابق این دیدگاه، سیره عقلا بالذات معتبر است؛ یعنی اعتبارش به واسطه دلیل دیگر نیست. از نظر علامه طباطبایی چون اسلام شریعت خود را براساس خلقت و فطرت بنا نهاده است، هر عملی که مطابق روش معمول مردم باشد مطابق فطرت بوده و معروف است و به امر دیگری نیاز نیست (Tabatabaei, 1970).

قاعده لزوم معاشرت به معروف مستفاد از آیه ۱۹ سوره نساء، آیات ۲۲۸ و ۲۲۹ سوره بقره و برخی روایات بر این مطلب دلالت دارد که حقوق و تکالیف زوجین باید تابعی از معروف یا همان عرف پسندیده در جامعه اسلامی باشد. بنابراین آیات مربوط به حسن معاشرت به معروف درصدد تأسیس یک اصل فقهی حقوقی هستند که بر تمامی روابط زوجین سایه افکنده و ضابطه و ملاک تشخیص برای تعیین حقوق و تکالیف می‌باشد (Azimzadeh Ardabili, 2008). در میان قرآن‌پژوهان معاصر نیز، وهبه زحیلی، حق برخورد و معاشرت به معروف را از حقوق شوهر بر زن برشمرده است (al-Zuhayli, 1991).

مصادیق حقوقی حسن معاشرت

در حقوق موضوعه، برخی مصادیق حسن معاشرت به صورت صریح یا ضمنی در مواد مختلف قانون مدنی و قانون حمایت خانواده انعکاس یافته‌اند. برای نمونه، مقررات مربوط به نفقه، تمکین، حقوق و تکالیف زوجین و آثار ناشی از ترک وظایف خانوادگی، همگی با اصل حسن معاشرت مرتبط‌اند (قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷؛ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱).

حقوق ایران با الهام از فقه امامیه، برخی مصادیق حسن معاشرت را در قالب وظایف قانونی زوجین مشخص کرده است، اما این تعیین مصادیق، عمدتاً محدود به رفتارهای خاص و قابل اجرای قضایی است و بسیاری از جنبه‌های اخلاقی و عرفی در آن دیده نشده است (Rafsanjani, 2023; Moghadam & Mohammadian, 2015; Rahimi, 2023).

پس از ازدواج برای هر یک از زوجین در عرصه حقوق متقابل، وظیفه‌ای تعیین می‌شود. اصل معاشرت به معروف، موازنه‌ای در نظام خانوادگی است و مانع می‌شود که زوجین از ناحیه حقی که به آن‌ها داده شده است، ضرری بر شخص مقابل وارد کنند. علاوه بر ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی که زن و شوهر را مکلف به حسن معاشرت می‌داند، مطابق ماده ۱۱۰۸ اثر سوء معاشرت زن، بی‌بهره ماندن وی از دریافت نفقه می‌باشد. همچنین ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی که مربوط به سوء معاشرت مرد است بیان می‌کند: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.»

با این حال، حقوق موضوعه عمدتاً بر رفتارهای بیرونی، قابل اثبات و قابل صدور حکم تمرکز دارد. بنابراین ابعاد عاطفی و اخلاقی حسن معاشرت که در فقه معاصر برجسته‌اند، در حقوق کمتر به صورت مستقل و شفاف بازتاب یافته‌اند (Rahimi, 2023). این تفاوت، یکی از مهم‌ترین نقاط تمایز میان رویکرد فقهی و حقوقی است.

عوامل مؤثر بر تحقق حسن معاشرت

بر اساس یافته‌های فقهی و حقوقی، عوامل زیر بر تحقق یا نقض حسن معاشرت تأثیرگذار هستند:

آگاهی دینی و حقوقی زوجین

عرف و ارزش‌های اجتماعی

سطح تحصیلات و فرهنگ خانواده‌گی

وضعیت اقتصادی و اجتماعی

ظرفیت ارتباطی و توانایی حل اختلاف

حسن معاشرت به عنوان یک قاعده

برخی صاحب‌نظران، حسن معاشرت را یک قاعده فقهی - حقوقی می‌دانند که محتوای آن را می‌توان چنین بیان کرد: «هر یک از زن و شوهر باید در چارچوب رعایت عرف مقبول در جامعه اسلامی با یکدیگر رفتار کنند». هرگاه نحوه عملکرد زوجین به گونه‌ای باشد که مفاد قاعده فوق را نقض نماید، در مواردی ممکن است موجب واکنش حقوقی متناسب شود.

کاربست این قاعده، نظام حقوقی خانواده را از پیشرفت‌ها و تکامل عقلانی - عرفی بهره‌مند کرده و سبب می‌شود تا عرف‌های گذشته، آموزه‌های گذشته، آموزش‌های همیشگی اسلامی و وحیانی تفسیر و تعبیر نشوند (Nobahar & Hosseini, 2015).

بسیاری از فقهای معاصر نیز حسن معاشرت را دوطرفه دانسته و مفهوم آن را رعایت حقوق قانونی زوجین در حق یکدیگر می‌دانند یا حداقل یکی از موارد حسن معاشرت در زندگی زناشویی را اجرای مناسب حقوق و وظیفه واجب ایشان ذکر می‌کنند.

مؤلف المیزان برای اثبات دوطرفه بودن این حکم، جامعه‌ای را مثال می‌زند که در آن هر فرد با حقوق و تکالیف مشخص و حق استقلال، دخالتش در امور و تأثیرش در به دست آمدن غرض تعاون و همکاری عمومی به مقدار دخالت و تأثیر سایر افراد است و هر حالتی غیر از این را مصداق ظلم می‌داند (Tabatabaei, 1970).

شبیری زنجانی آیه ۱۹ سوره نساء را بدون موضوع خاص و مصداق معین و دلیلی بر وجوب معاشرت به معروف با زنان دانسته (Shobeiri Zanjani, 1998) و سبزواری آن را جامع می‌داند که همه جهات، خصوصیات، زمان‌ها، مکان‌ها، حالات و همه امور و مصادیق را در بر می‌گیرد (Sabzevari, 1992).

تحلیل تطبیقی دیدگاه فقهای معاصر و حقوق موضوعه

مقایسه دیدگاه فقهای معاصر با حقوق موضوعه نشان می‌دهد که فقه معاصر به «ابعاد اخلاقی، عرفی و حقوقی همزمان» توجه دارد و حقوق ایران بیشتر بر «ابعاد حقوقی و الزام‌آور متمرکز است» و جنبه‌های عاطفی و اخلاقی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در عمل، خلأ نظام‌مند در شناسایی مصادیق عملی باعث شده است که قضاوت‌ها و مشاوره‌های حقوقی از کارآمدی کامل برخوردار نباشند (Mozaffari & Hosseini, 2021).

فقه معاصر و حقوق موضوعه، هر دو در اصل پذیرش حسن معاشرت هم‌داستان‌اند؛ اما در نحوه صورت‌بندی و قلمرو آن اختلاف دارند. فقه معاصر، به دلیل اتکای بیشتر بر اخلاق، کرامت انسانی و روح روابط خانوادگی، حسن معاشرت را مفهومی گسترده و جامع می‌بیند. در این رویکرد، نه تنها رفتارهای آشکار، بلکه حالات روحی، گفتار، عواطف و حتی شیوه تعامل روزمره زوجین نیز اهمیت دارد (Moezzi, 2017).

در مقابل، حقوق موضوعه به سبب ماهیت الزام‌آور و قضایی خود، ناگزیر از محدود کردن این مفهوم به مصادیق قابل احراز در دادگاه است. این امر، از یک سو به نظم حقوقی و قابلیت اجرا کمک می‌کند، اما از سوی دیگر، ممکن است موجب تقلیل مفهومی حسن معاشرت شود و همه ابعاد آن را پوشش ندهد (Shahbazi, 2021). با این رویکرد هر دو اصل حسن معاشرت را تأیید می‌کنند، اما فقه ابعاد اخلاقی و رفتارهای مفصل‌تری را ارائه داده و حقوق موضوعه بیشتر کلی است.

عدالت در صورتی تحقق می‌یابد که دستور حسن معاشرت زوجین به بخش خاصی از روابط آنان اختصاص نداشته و همه شئون زندگی ایشان را در بر گیرد. بررسی آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و برداشت‌های فقها و حقوق‌دانان از حکم «معاشرت به معروف» نشان می‌دهد که گستره معروف از پیش از ازدواج تا پس از جدایی و مرگ را در بر گرفته و این مهر تأیید دیگری بر عدالت‌منشی این حکم است.

فقهای معاصر نیز با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی جدید، مصادیق رفتار شایسته را توسعه داده و نگاه حقوقی را به سمت الزام اخلاقی و عدالت اجتماعی گسترش داده‌اند. نتیجتاً ترکیب دیدگاه‌های فقه معاصر و حقوق موضوعه می‌تواند چارچوب عملی و قابل استفاده برای زندگی مشترک فراهم کند.

از این رو می‌توان گفت که فقه معاصر، «روح» حسن معاشرت را برجسته می‌سازد، در حالی که حقوق موضوعه بیشتر بر «قالب» آن تکیه دارد. تلفیق این دو رویکرد، می‌تواند به غنای نظری و کارآمدی عملی نظام خانواده بینجامد.

نقد و بررسی کاستی‌ها

الف) ابهام در قانون: قوانین موجود، مصادیق رفتاری و اخلاقی حسن معاشرت را به صورت جامع تعیین نکرده‌اند. مهم‌ترین کاستی حقوق موضوعه در این حوزه، کلی بودن ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی است. قانون‌گذار، بدون ارائه تعریف روشن از حسن معاشرت یا نمونه‌های عینی آن، صرفاً به بیان یک تکلیف عام بسنده کرده است. این امر، موجب تفاوت در برداشت‌ها و دشواری در تطبیق حکم با مصادیق شده است (Ghasemzadeh, 2023).

ب) عدم الزام قضایی کامل (ضعف در ضمانت اجرا): در دعاوی خانوادگی، کمبود دستورالعمل روشن برای تشخیص سوء معاشرت و اعمال ضمانت اجرایی وجود دارد. در بسیاری از موارد، حتی اگر سوء معاشرت محرز باشد، ابزارهای قانونی روشن و مؤثری برای الزام یا جبران آن وجود ندارد. این ضعف، قدرت بازدارندگی قانون را کاهش می‌دهد و در عمل، زمینه بروز اختلافات بیشتر را فراهم می‌کند (Mozaffari, 2021).

ج) شکاف میان فقه معاصر و حقوق (عدم تطابق کامل حقوق با فقه معاصر): برداشت‌های سنتی قانون در برخی موارد با تحلیل‌های جدید فقهای معاصر همسو نیست. بخش مهمی از تحلیل‌های فقهای معاصر درباره ابعاد عاطفی، اخلاقی و انسانی حسن معاشرت، در حقوق موضوعه بازتاب کافی نیافته است. این شکاف، نشان‌دهنده فاصله میان ظرفیت‌های غنی فقه و ساختار محدود تقنین فعلی است (Rahimi, 2023).

د) خلأ در آموزش و فرهنگ‌سازی (ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی): بسیاری از زوجین از الزامات قانونی و اخلاقی حسن معاشرت آگاهی ندارند، که موجب بروز اختلافات خانوادگی می‌شود. بسیاری از زوجین، پیش از ازدواج یا در آغاز زندگی مشترک، شناخت کافی از حقوق، تکالیف و مهارت‌های ارتباطی ندارند. نبود آموزش‌های رسمی و کاربردی، یکی از عوامل مهم در تضعیف حسن معاشرت و افزایش تعارضات خانوادگی است.

پیشنهادهای کاربردی

الف) تدوین دستورالعمل مصادیق عملی حسن معاشرت: ارائه چارچوب قانونی برای شناسایی رفتارهای حسن معاشرت و سوء معاشرت، لذا ضروری است چارچوبی روشن برای شناسایی مصادیق حسن معاشرت و سوء معاشرت تدوین شود؛ چارچوبی که هم بر مبانی فقهی استوار باشد و هم در دادگاه قابلیت استناد داشته باشد.

ب) تقویت سازوکارهای قضایی: ایجاد معیارهای روشن برای رسیدگی به دعاوی ناشی از نقض حسن معاشرت، لذا قضات خانواده باید از معیارهای روشن‌تری برای تشخیص نقض حسن معاشرت برخوردار باشند. تدوین رویه‌های قضایی منسجم می‌تواند به کاهش اختلاف برداشت‌ها کمک کند.

ج) آموزش پیش از ازدواج و مشاوره خانواده: ارتقای آگاهی زوجین نسبت به حقوق و وظایف متقابل و گنجاندن آموزش‌های الزامی در زمینه حقوق و وظایف زوجین، مهارت‌های ارتباطی، مدیریت تعارض و اخلاق خانوادگی، می‌تواند از بسیاری از آسیب‌ها پیشگیری کند.

د) بازنگری تقنینی و تلفیق فقه معاصر و حقوق موضوعه: قانون‌گذار می‌تواند با بهره‌گیری از فقه معاصر و بازنگری قوانین و آیین‌نامه‌ها با توجه به تحلیل‌های فقهی نوین، ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی و سایر مقررات مرتبط را به‌گونه‌ای اصلاح کند که مصادیق عملی حسن معاشرت شفاف‌تر و قابل‌اجرا تر شوند.

ه) فرهنگ‌سازی عمومی: ترویج فرهنگ گفت‌وگو، مدارا، احترام و همدلی در خانواده، باید به‌عنوان یک سیاست اجتماعی جدی دنبال شود؛ زیرا حسن معاشرت صرفاً محصول قانون نیست، بلکه نیازمند تربیت فرهنگی نیز هست.

نتیجه‌گیری

حسن معاشرت زوجین مفهومی چندبعدی و بنیادین در نظام خانواده است که ابعاد فقهی، اخلاقی، عرفی و حقوقی را در بر می‌گیرد. مصادیق عملی آن در رفتار، گفتار و عاطفه نمود می‌یابد و رعایت آن موجب پیشگیری از اختلافات خانوادگی و تقویت روابط زناشویی می‌شود. حقوق ایران اصل حسن معاشرت را به رسمیت شناخته اما در تعیین مصادیق و الزام‌آوری کاستی‌هایی دارد.

نتیجتاً فقه معاصر، با تأکید بر کرامت انسانی، محبت، احترام و مسئولیت متقابل، تصویری جامع از این مفهوم ارائه می‌دهد؛ در حالی که حقوق موضوعه ایران، هرچند اصل آن را پذیرفته، اما در تعیین مصادیق و ضمانت اجرا با کاستی‌هایی روبه‌روست. بررسی تطبیقی این دو رویکرد نشان می‌دهد که تلفیق نگاه فقهی و حقوقی می‌تواند به تقویت بنیان خانواده، کاهش تعارضات زناشویی و افزایش کارآمدی نظام حقوقی خانواده بینجامد. بر این اساس، بازنگری تقنینی، آموزش پیش از ازدواج، و تدوین معیارهای روشن قضایی از مهم‌ترین راهکارهای ارتقای حسن معاشرت در جامعه است. لذا تلفیق دیدگاه‌های فقهی معاصر با قوانین موجود می‌تواند چارچوبی کاربردی و علمی برای مشاوران، قضات و خانواده‌ها ایجاد کند. پیشنهاد می‌شود اصلاح قوانین و ارائه راهنمایی‌های قضایی بر اساس این مصادیق عملی، مورد توجه قرار گیرد. جمع‌بندی پژوهش حاضر نشان داد که حسن معاشرت زوجین، مفهومی چندبعدی است که ابعاد اخلاقی، عرفی و حقوقی را دربر می‌گیرد. این مفهوم در فقه معاصر به‌طور جامع مورد تحلیل قرار گرفته و مصادیق عملی آن شامل رفتار، گفتار، عاطفه و حقوق اقتصادی است، حقوق ایران اصل حسن معاشرت را به رسمیت شناخته اما در تعیین مصادیق عملی و الزام‌آوری آن کاستی دارد، تلفیق تحلیل فقهی و حقوقی می‌تواند به ایجاد چارچوب کاربردی برای مشاوره و قضاوت کمک کند، اقدامات قانونی و آموزشی می‌تواند میزان تحقق حسن معاشرت در زندگی زوجین را افزایش دهد و از بروز تعارضات خانوادگی پیشگیری نماید.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Family occupies a central position in Islamic legal and ethical thought as the primary social institution for securing emotional stability, continuity of generations, interpersonal responsibility, and the moral development of individuals. Within this framework, the quality of marital relations is considered fundamental to the durability and effectiveness of family life. One of the principal concepts governing the relationship between spouses is “good companionship” or *husn al-mu‘asharah*, which encompasses the legal, ethical, customary, and interpersonal dimensions of marital conduct. In Iranian law, this principle is explicitly recognized in Article 1103 of the Civil Code, which requires spouses to maintain good companionship with one another. Nevertheless, the legal provision is formulated in broad terms and does not provide a comprehensive definition or an exhaustive account of its practical manifestations. This has generated interpretive ambiguity concerning the boundaries between proper marital conduct and misconduct, particularly in disputes involving maintenance, obedience, marital conflict, and divorce. Contemporary legal scholarship has therefore emphasized the need to clarify spouses’ mutual obligations and identify the practical dimensions of good companionship within the Iranian legal system (Ghasemzadeh, 2023; Rahimi, 2023). The concept has also attracted considerable attention in Imami jurisprudence, where marital life is understood not merely as a contractual arrangement establishing reciprocal rights and duties but also as a relationship governed by affection, dignity, cooperation, fairness, and avoidance of harm. Accordingly, contemporary jurisprudential analyses have attempted to move the concept beyond an abstract legal command and interpret it in light of changing social conditions, the evolving structure of family life, and modern expectations regarding marital interaction (Moezzi, 2017; Mousavi Tabrizi, 2022). The present study is therefore grounded in the assumption that a proper understanding of good companionship requires simultaneous attention to jurisprudential principles, statutory norms, customary standards, and the contemporary social realities affecting marital relationships.

The primary objective of this study was to analyze the concept, legal status, practical manifestations, and regulatory deficiencies of good companionship between spouses from the perspectives of contemporary Imami jurists and Iranian positive law. More specifically, the study sought to determine how good companionship is conceptualized in jurisprudential and legal sources, which behaviors may be regarded as its principal manifestations, how contemporary jurists have expanded or reinterpreted the concept in response to changing social realities, and to what extent Iranian statutory law reflects these broader understandings. The study also examined whether good companionship should be treated merely as a specific marital obligation or as a broader jurisprudential–legal rule capable of governing multiple dimensions of the marital relationship. Earlier legal studies have demonstrated that the principle is closely connected with spouses’ reciprocal rights and duties and cannot be reduced to a single statutory obligation (Nobahar & Hosseini, 2015; Rafsanjani Moghadam & Mohammadian, 2015). The importance of the concept is

further reinforced by the fact that customary standards play a significant role in determining what constitutes reasonable, respectful, and acceptable marital conduct. From a legal perspective, such standards may vary according to social conditions, cultural expectations, time, place, and the particular circumstances of spouses (Jafari Langroudi, 2025). From a jurisprudential perspective, the rule of companionship according to what is considered proper or recognized as *ma'ruf* creates an interpretive framework through which reciprocal rights and obligations may be understood. Consequently, the study aimed to identify the points of convergence and divergence between contemporary jurisprudence and statutory law and to evaluate whether integrating these two perspectives could provide a more coherent and practically applicable framework for judicial reasoning, family counseling, and future legislative reform.

This research employed a qualitative, descriptive–analytical, and library-based methodology. Data were collected from primary and secondary jurisprudential and legal sources, including authoritative works of Imami jurisprudence, Qur'anic exegesis, legal textbooks, scholarly articles, provisions of the Iranian Civil Code, and family-related statutory materials. Particular attention was given to sources addressing marital rights, maintenance, obedience, mutual duties, customary standards, and the jurisprudential principle of companionship according to what is recognized as proper. Lexical sources were also examined in order to clarify the semantic dimensions of *mu'asharah* and to distinguish its ordinary meaning from its technical jurisprudential and legal applications (Dehkhoda, 1998; Moin, 2007). The jurisprudential analysis relied on both classical and contemporary sources. Classical jurisprudential discussions emphasize that marital obligations should be performed in a manner consistent with fairness, dignity, and avoidance of harm (Ansari, 2006; Khomeini, 1987). Qur'anic exegetical sources were examined to identify the normative significance of the command to live with spouses according to *ma'ruf*. The Qur'anic command has traditionally been interpreted as requiring conduct characterized by fairness, respectful treatment, and appropriate fulfillment of material and non-material marital obligations (al-Qurtubi, 1989; Rashid Rida, 1990). Contemporary jurisprudential and legal scholarship was then used to assess how these principles have been adapted to changing family structures and modern social expectations. The study did not attempt to generate empirical data through interviews or surveys; rather, it systematically compared normative legal materials and jurisprudential interpretations to construct a conceptual framework of good companionship and its manifestations.

The findings indicate that good companionship is a multidimensional concept that extends significantly beyond the mere avoidance of physical abuse or explicit legal violations. In jurisprudential terms, it includes appropriate behavior, respectful speech, emotional consideration, reciprocal cooperation, fulfillment of lawful marital obligations, protection of dignity, avoidance of humiliation and harassment, and reasonable participation in the affairs of family life. Contemporary analyses increasingly interpret these dimensions as interrelated components of a healthy marital relationship rather than isolated moral recommendations (Hosseininejad, 2019; Nemati et al., 2023). The behavioral dimension includes cooperation in family affairs, avoidance of violence, responsible participation in household life, and fulfillment of reciprocal responsibilities. The verbal dimension includes respectful communication, avoidance of insults, threats, degrading language, and verbal aggression, as well as the use of conciliatory and consultative communication. The emotional dimension encompasses affection, loyalty, empathy, consideration of the spouse's psychological needs, and preservation of emotional security. Modern scholarship has also emphasized that the principle may encompass financial fairness and respect for the spouse's economic rights, including the proper fulfillment of maintenance obligations and avoidance of economic deprivation or misuse

of financial authority (Alavi & Shafiei, 2020; Rafsanjani Moghadam & Mohammadian, 2015). These findings are consistent with the broader jurisprudential understanding of *ma'ruf*, according to which marital conduct should be evaluated not exclusively through rigid predetermined examples but also through accepted standards of reasonableness, social propriety, fairness, and human dignity. This approach allows the content of good companionship to evolve in accordance with legitimate social transformations while remaining grounded in Islamic jurisprudential principles (Azimzadeh Ardabili, 2008; Sharifi et al., 2022).

The comparative analysis further demonstrates that contemporary jurisprudence and Iranian positive law share the same normative foundation but differ substantially in scope, detail, and enforceability. Contemporary jurisprudential approaches tend to conceptualize good companionship as a comprehensive rule governing the entire marital relationship, including its ethical, customary, emotional, behavioral, and financial dimensions. In this view, the requirement to interact according to *ma'ruf* is not confined to one spouse or to a single area of marital life but functions as a reciprocal standard for evaluating the conduct of both parties. Some jurisprudential interpretations also support the proposition that the principle has a general and continuing application across different stages and circumstances of family life (Sabzevari, 1992; Shobeiri Zanjani, 1998). By contrast, Iranian positive law formally recognizes the principle but largely leaves its practical content undefined. Judicial authorities must therefore infer the meaning of good or bad companionship from surrounding circumstances, customary expectations, the specific facts of each dispute, and related statutory duties. This legal indeterminacy can produce inconsistent interpretations and difficulties in proving misconduct, particularly when the disputed behavior is emotional, verbal, or relational rather than overtly physical or financial (Mozaffari & Hosseini, 2021; Shahbazi, 2021). Contemporary scholarship consequently points to a gap between the broader ethical and jurisprudential potential of the concept and its narrower legal implementation. At the same time, custom remains an essential interpretive mechanism because the content of acceptable marital conduct necessarily changes with social conditions, cultural expectations, forms of communication, and family organization (Safdarzadeh et al., 2022). Thus, the most effective model appears to be one in which statutory law establishes sufficiently clear minimum standards while preserving judicial flexibility to consider customary, social, and interpersonal circumstances.

In conclusion, good companionship between spouses constitutes a foundational and multidimensional principle of family relations that integrates legal obligation, ethical responsibility, customary expectations, emotional conduct, and reciprocal respect. The analysis shows that contemporary jurisprudence offers a broader and more dynamic understanding of the concept than its current formulation in Iranian statutory law. Whereas jurisprudential reasoning addresses behavioral, verbal, emotional, economic, and moral dimensions of marital interaction, positive law primarily focuses on those aspects that can be formally recognized and enforced through judicial mechanisms. This discrepancy has contributed to ambiguity in identifying misconduct and has limited the practical effectiveness of the principle in family disputes. A more coherent legal framework would therefore require clearer identification of the principal manifestations of good and bad companionship without reducing the concept to an inflexible statutory checklist. Legislative reform could clarify minimum behavioral standards while preserving the role of custom and judicial assessment in responding to the diversity of family circumstances. Judicial guidelines could also improve consistency in cases concerning marital misconduct, maintenance, obedience, and divorce. In addition, premarital education and family counseling should place greater emphasis on reciprocal rights, respectful communication, conflict management, emotional responsibility, and the practical

meaning of good companionship. Integrating contemporary jurisprudential insights with statutory regulation can provide a more comprehensive framework for protecting human dignity within marriage, reducing family conflict, strengthening reciprocal responsibility, and enhancing the effectiveness of the Iranian family law system.

References

- al-Qurtubi, M. (1989). *Al-Jami' li-Ahkam al-Qur'an*. Naser Khosrow Publications.
- al-Zuhayli, W. (1991). *Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqidah wa al-Shari'ah wa al-Manhaj*. Dar al-Fikr.
- Alavi, S. R., & Shafiei, S. H. (2020). A comparative examination of spouses' common rights in the Qur'an from the perspective of contemporary exegetes. *Jame'eh Qur'anic Studies*, 18(136), 59-88.
- Ansari, M. (2006). *Al-Makasib* (Vol. 3). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Azimzadeh Ardabili, F. (2008). Foundations of good companionship in the family legal system from the perspective of the Holy Qur'an. *Quarterly Journal of Family Jurisprudence and Law*, 13(48), 5-27.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran Press.
- Ghasemzadeh, M. (2023). Legal analysis of spouses' mutual obligations in Iranian law. *Quarterly Journal of Family Law Studies*, 7(2), 89-105.
- Hosseini, A. (2019). A jurisprudential and legal examination of good companionship in marital relations. *Journal of Islamic Jurisprudence and Law Research*, 16(4), 45-67.
- Jafari Langroudi, M. J. (2025). *Legal Terminology* (40th ed.). Ganj-e Danesh.
- Khomeini, R. (1987). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2). Dar al-Ilm.
- Moezzi, M. H. (2017). *Family Jurisprudence in the Thought of Contemporary Jurists*. Bustan-e Ketab.
- Moin, M. (2007). *Moin Dictionary* (2nd ed., Vol. 4). Zarrin; Negarestan-e Ketab.
- Mousavi Tabrizi, A. (2022). *A Study of Family Law with Emphasis on Imami Jurisprudence*. Institute for Humanities and Cultural Studies Publications.
- Mozaffari, K., & Hosseini, Z. (2021). Husband's nushuz and its consequences in the Iranian legal system. *Judiciary Law*, 85(115), 241-264.
- Nemati, M., Heidari, M. A., & Raei Dehghi, M. (2023). Examination and analysis of the conflict between the rule requiring good companionship and jurisprudential-legal obligations in marital relations. *Islamic Journal of Women and Family*, 11(30), 35-56.
- Nobahar, R., & Hosseini, S. O. (2015). The rule requiring good companionship in marital relations. *Family Research*, 1(41), 53-72.
- Rafsanjani Moghadam, M., & Mohammadian, A. (2015). A study of Article 1103 of the Civil Code: The duty of spouses to maintain good companionship with one another. *Women's strategic studies*, 18(70), 7-46.
- Rahimi, A. (2023). *Examination of good companionship between spouses in Islamic jurisprudence and Iranian law* First National Conference on Modern Private Law with Emphasis on Strengthening the Family,
- Rashid Rida, M. (1990). *Tafsir al-Manar*. Al-Hay'ah al-Misriyyah al-Ammah lil-Kitab.
- Sabzevari, S. A. a.-A. I. (1992). *Muhadhdhab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa al-Haram*. Al-Manar Institute.
- Safdarzadeh, S. F., Shariati, E., Roshan, M., & Atlabi, S. (2022). A jurisprudential-legal re-examination of the wife's right to sexual enjoyment with emphasis on the necessity of considering spouses' temperaments. *Islamic Journal of Women and Family*, 10(26), 33-59.
- Shahbazi, A. (2021). *Family Law in the Iranian Legal System*. SAMT.
- Sharifi, F., Jafari, A., & Hosseini, S. A. (2022). An analysis of the right to good companionship in marital relations with emphasis on natural rights. *Islamic Journal of Women and Family*, 10(27).
- Shobeiri Zanjani, S. M. (1998). *Kitab al-Nikah*. Ray Pardaz Research Institute.
- Tabatabaei, M. H. (1970). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Mu'assasat al-A'lam lil-Matbu'at.